

رویکردی عرفانی به پدیده شب در قرآن

khodajooyan135@yahoo.com

فاطمه خداجویان / استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه مذاهب اسلامی

پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۳

دریافت: ۹۸/۶/۲

چکیده

خداوند در قرآن بارها از شب یاد کرده است؛ شب در قرآن مورد قسم وی واقع شده و شب زمانی خاص برای ارتباط خداوند با بندگان در نظر گرفته شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی رویکردی عرفانه به قرآن داشته و تفسیر آیات مربوط به شب را با نگاهی عرفانی مورد بررسی قرار می‌دهد. اینکه عرفا با توجه به ویژگی‌های خاص شب، آن را زمان خاص ارتباط دو طرفه خداوند و بنده می‌دانند. به علت این ویژگی‌های ممتاز، از جمله خلوت، آسودگی و در حجاب ماندن از دید دیگران، فرصت مناسبی است تا بنده به درگاه خداوند خود، و دور از چشم نامحرم به عبادت و مناجات پردازد و خداوند نیز بهره‌ای از برکت و عنایات ویژه خود را نصیب وی کند. تأکید خداوند بر قیام شب در قرآن به این امر اشاره می‌کند. در نهایت اینکه خداوند شب‌های خاص (که اتفاقات ویژه‌ای در آنها رخ داده) را مورد توجه قرار داده و برای آنها اهمیت خاصی قائل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بیداری، رحمت، شب، شب قدر، عبادت.

مقدمه

شبه به عنوان یک پدیده بر زمان خاصی اطلاق می‌شود که ساعتی چند را دربر می‌گیرد و در مقابل روز است. اما با توجه به ویژگی‌هایی که برای شب در نظر گرفته می‌شود، می‌توان در تقابل روز و شب، سنگینی اهمیت را به سمت شب سوق داد. تاریکی و خلوت و آرامش شب، ویژگی‌هایی را در پی دارد که مورد توجه قرآن قرار گرفته و خداوند چندین بار در قرآن به آن سوگند خورده است. خداوند متعال براساس این خصوصیات، زمان ارتباط ویژه خود را با بنده و زمان نزول عنایات و برکات الهی خود را به این ساعات ویژه (شب) اختصاص داده است. به عنوان مثال معراج پیامبر اکرم ﷺ، مناجات حضرت موسی ﷺ با خداوند در کوه طور و شب قدر همه در شب واقع شده‌اند.

شبهالاتی در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود مبنی بر اینکه شب چه ویژگی‌هایی دارد که باعث توجه قرآن به آن شده است؟ و چگونه این ویژگی‌ها اهمیت شب را به روز نشان می‌دهند؟ از دیدگاه عرفا نگاه به این پدیده از جانب خداوند چگونه تفسیر شده است؟ با توجه به اهمیتی که خداوند برای شب قائل است، در آیات متعدد به بیان مطالبی در خصوص شب می‌پردازد. از جمله ویژگی‌های شب، درخواست از پیامبر ﷺ برای برقراری ارتباط و مناجات شبانه با خداوند، برشمردن استغفارکنندگان و شب‌بیداران به درگاه الهی با عناوینی همچون صالحان و متقین.

۱. معانی شب

براساس ویژگی‌های خاص و اهمیتی که خداوند به واسطه آن برای شب لحاظ کرده و آیاتی را به آن اختصاص داده است، این نوشتار به دنبال آن است که با توجه به تفسیر آیاتی که به پدیده شب پرداخته، آنان را با رویکرد عرفانی مورد استفاده قرار دهد؛ چراکه عرفان و معرفت در شرایط خاصی تحقق می‌یابد که با توجه به آیات، بهترین زمان آن شب است. از این رو، توجه به پدیده شب با رویکردی عرفانی و با توجه به تفسیر عرفانی که از آن می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این نوشتار، به مباحثی همچون معانی شب، اهمیت شب، ویژگی‌های شب و شب‌های خاص با نگاهی عرفانی پرداخته می‌شود.

در باب مسئله شب و نگاه عرفانی به آن در قرآن، شاهد تفاسیر عرفانی هستیم که بعضاً برخی آیات را که به مبحث شب می‌پردازد، مورد توجه و تفسیر خود قرار می‌دهند. از جمله تفاسیر می‌توان به تفسیر *ابوالفتح رازی*، *کشف‌الاسرار*، تفسیر *ابن عربی* و... اشاره کرد. البته همه تفاسیر، همه آیات را لحاظ نکرده و هر کدام به برخی آیات

در فرهنگ لغت، «شب» را چنین معنی کرده‌اند: مدت فاصله از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق. قرار داشتن قسمتی از کره زمین است در سایه تاریک زمین. وقتی که آفتاب زیر افق پنهان باشد. مقابل روز. مترادف‌های شب عبارتند از: لیل، لیله، شبانگاه، شام، پسین، مساء و عشاء (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۱۹۶).

در قرآن کریم واژه «لیل» و مشتقات آن، ۹۱ بار تکرار شده و همچنین نام یکی از سوره‌های قرآن یعنی سوره ۹۲، «لیل» است. صاحب کتاب *کشف‌الاسرار* هنگام سخن از شب، آن را دوازده ساعت می‌داند که هر ساعت اختصاص به عبادت موجودی دارد و گروهی مشغول راز و نیاز با خداوند هستند (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۲۲).

خداوند شب را در مقابل روز قرار داد و هر دو را به عنوان آیه‌ای از آیات خود معرفی کرد. خداوند در چند جای مختلف در قرآن به تقابل آنها، پشت سرهم آمدن و اختلافشان اشاره کرده است. برای نمونه، خداوند می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَنَاءَ آيَةِ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَتَلْعَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَنَاهُ تَفْصِيلاً» (اسراء: ۱۲)؛ «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ» (یونس: ۶).

اشاره به لیل و نهار به معنای ظلمت و نوری است که به دنبال هم و به خاطر مواجه بودن زمین با طلوع و غروب آفتاب در زمین پدید می‌آیند و این دو مانند سایر موجودات عالم و همچنین احوال آن موجودات، دو آیت از آیات خدا هستند که بالذات دلالت بر یکتایی خداوند در ربوبیت می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۵۲).

مجید براندازند و مقربان حضرت، به امر حق جل و جلاله خاموش شوند. آنکه جبار کائنات در علو و کبریای خود خطاب کند: «ألا تدخلا کل حبيب بحبيبه، فأين أحبائي؟»؛ هر دوستی با دوست خود در خلوت و شادی آمدند، دوستان ما کجانند؟» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۵۱۸). او در جای دیگر ذیل آیه «وَأَلْيَلٍ عَشْرٍ» (فجر: ۲)، در مورد

قسم‌ها صحبت می‌کند.

«به شب‌های دهه ذی‌الحجه که روز عرفات در آن است، به شب‌های دهه محرم که عاشورا آخر آن است. به شب‌های دهه آخر رمضان که شب قدر تعبیه آن است، به شب‌های دهه نیمه شعبان که شب برات با آن است، به شب‌های دهه موسی که «وَأَتَمَّمْتَهَا بِعَشْرٍ» بیان آن است و مناجات موسی با حق حاصل آن است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۹۲).

معمولاً عرفا در لحظه‌هایی از زمان، تحت تأثیر نیروها و جذبه‌های خاصی واقع می‌شوند و به درک و شهود اموری در عالم معنا می‌رسند که در صورت معمول درک آن امور برای همگان میسر نیست (صرفی، ۱۳۸۸، ص ۲۴). این لحظات، زمان‌های خاص را می‌سازند؛ زمان‌هایی که قداست پیدا می‌کنند. اغلب این اوقات به علت ویژگی‌هایی که برای شب معرفی می‌کنیم، در شب رخ می‌دهد. از جمله شب قدر، شب معراج، شب سخن خداوند با حضرت موسی علیه السلام در کوه طور و... این ویژگی‌ها قدر و منزلتی به شب داده، به گونه‌ای که خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: «هر که عزت شب را شناخت، عالم است» (انصاری، ۱۳۴۹، ص ۵۵).

۳. ویژگی‌های شب

شب دارای خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که آن را از روز متمایز می‌کند. همچنین این ویژگی‌ها بعضاً باعث برتری یافتن شب بر روز می‌شود. حتی گاهی اوقات آن را تبدیل به زمان مقدس و خاص می‌کند. از جمله ویژگی‌های شب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۱. حجاب و آسودگی

اولین چیزی که از شب به ذهن می‌رسد، سیاهی و تاریک بودن آن است. این تاریکی خود حجابی محسوب می‌شود برای دیدنی‌های نادیدنی. از طرفی این حجاب، برای اهل عبادت پرده‌ای است که آرامش و آسودگی را به ارمغان می‌آورد. از طرف دیگر، در شب است

در کتاب *کشف‌الاسرار*، ذیل آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» (فرقان: ۶۲)، در باره پشت سرهم آمدن شب و روز اینچنین آمده است: «شب تاریک مثال روزگار محنت است و این روز روشن نشان عهد دولت است. از روی اشارت می‌گوید: ای کسانی که اندر روشنائی روز، دولت آرام دارید، ایمن مپاشید که تاریکی شب محنت بر اثر است. و ای کسانی که شب محنت بی‌آرام بوده‌اید، نومید مپاشید که روشنائی روز دولت بر اثر است» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۷۵).

از سویی دیگر همانجا شب و روز به عنوان نشان قبض و بسط عرفا معرفی شده است (همان، ج ۹، ص ۲۳۳).

۲. اهمیت شب

شب دارای ویژگی‌ها و اهمیت بسیاری است؛ چراکه اگر شب و تاریکی آن نبود و آفتاب پیوسته می‌تابید، همه چیز نابود می‌شد و دیگر آرامشی برای ساکنان زمین وجود نداشت؛ چنانچه در کره ماه اینچنین بوده و شب و روز مانند کره زمین متعادل نیست، اما از جمله برکات شب، تعادل حرارت آفتاب و فراهم شدن زمینه استراحت مخلوقات خداوند است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۴۱).

در اهمیت شب همین بس که خداوند در قرآن کریم، هفت بار به آن سوگند خورده است. نکته‌ای که در سوگند وجود دارد، تعظیم و بزرگداشت چیزی است که به آن سوگند یاد شده است. سیوطی در این باره می‌گوید: «سوگند صورت نمی‌گیرد، مگر به اسمی که دارای عظمت باشد» (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۲۲). البته علامه طباطبائی معتقد است که علت سوگند خداوند به پدیده‌هایی مثل شب، به خاطر شرافتی است که به واسطه استادان‌شان به خداوند، در آنها نهفته است و خداوند مدبر آنهاست که سرچشمه هر ارج و ارزش است (خرقانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

در ذیل یکی از آیاتی که خداوند در آن به شب قسم خورده، میبدی می‌گوید: «الله تعالی شب را شرفی و مرتبتی داد که در قرآن مجید، آن را محل قسم خود گردانید. گفت: «وَأَلْيَلٍ إِذَا يَعْشَى» و این شرف از آن یافت که چون شب درآید، دوستان خدای و خاصان درگاه پادشاه در مناجات شوند: تن‌هاشان در نماز، دل‌هاشان در نیاز، جان‌هاشان در راز، همه شب شراب صفا می‌نوشند و خلعت رضا می‌پوشند و عتاب محبوب می‌نوشند. چون وقت سحر باشد، فرمان رسد تا این درها قبه پیروزه، بازگشایند و دامن‌های سرداقت عرش

که می‌توان با آرامش در آن، نیروی جدیدی برای روز بعد کسب کرد. در *کشف الاسرار* آمده است: «روز روشن مثال کشف است و شب تاریک نشان حجاب؛ و بنده میان هر دو حال سرگردان» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۲۸). یا اینکه «بزرگی را پرسیدند که شب افضل است یا روز؟ جواب داد که شب افضل است؛ زیرا که شب همه آسایش و راحت بود و راحت از بهشت است و در روز همه رنج و دشواری بوداند در طلب معاش، و رنج و دشواری از دوزخ است» (همان، ج ۸، ص ۲۳۳).

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود، ذیل آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس: ۶۷). در مورد این مسئله می‌گوید: «گفت: او آن خداست که شب را به لباس و جامه خواب شما کرد تا در او بیارامید؛ یعنی چنان که جامه، مردم را و عیب‌های اندام او، پنهان کند، شب همچنین است به تاریکی، بر خلقان و احوال ایشان، پردگی کند و پوشیدگی آرد» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۲۰۵).

ابن عربی نیز در ذیل آیه «وَاعْتَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْتَهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲)، معتقد است که به علت در حجاب و در پرده بودن خداوند، عددها برای شب آمد (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۵). در واقع به این علت که خداوند پوشیده و پنهان از چشم‌ها می‌باشد، میقات را نیز در شب قرار داده است و این کنایتی از پوشیدگی آن است. وی در کتاب *فتوحات مکیه* این مطلب را بیشتر توضیح می‌دهد: «بدان... که خداوند شب را برای اهل آن، مثل غیب برای خودش قرار داد، و همان‌گونه که کسی فعل خداوند در خلقتش راه به خاطر حجاب غیبی که آن را برای غیرش فرستاده، نمی‌بیند، همچنین کسی فعل اهل شب را در عبادتشان با خداوند، به خاطر حجاب ظلمت شب که خداوند آن را برای غیر آنها فرستاده، نمی‌بیند. آنان بهترین گروه در حق خداوند و بدترین جماعت در حق خودشان هستند» (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۹).

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَأْسًا» (نبا: ۱۰)؛ یعنی ما شب را مثل لباس ساتری قرار دادیم که با ظلمتش همه چیز را و همه دیدنی‌ها را می‌پوشاند، همان‌طور که لباس بدن را می‌پوشاند (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۴۳۴).

ابن عربی در این باره می‌گوید: «خداوند شب را لباسی برای اهل آن قرار داده که آن را می‌پوشند؛ این لباس، آنها را از چشم‌های

بیگانگان می‌پوشاند و آنان در خلوت‌های شبانه خود، از حیب خود بهره می‌برند و با او درحالی که رقیبی نیست، به نجوا می‌پردازند. به همین علت، خداوند خواب را در چشم‌های رقبای سبابت، یعنی راحتی اهل شب قرار داد (نبا: ۹). همان‌طور که خواب، طبیعتاً راحتی برای مردم فراهم می‌آورد. هنگامی که مردم می‌خوابند، اینان با پروردگارشان به استراحت می‌پردازند و در قبول توبه و اجابت و دعوت و مغفرت و غیر آنکه آنها را می‌طلبند، با او حساً و معنأ در خلوت به سر می‌برند. پس خواب مردم راحتی برای آنهاست (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۹).

ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه‌ای دیگر درباره آسودگی و آسایش می‌گوید: «خداوند». به روشنایی روز بر تو منت نهاد، که محل معاش توست؛ به شب نیز منت نهاد که قرارگاه و وقت آسایش توست. قوله «فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام: ۹۶)؛ اگر همه روز بودی، تو کی آسودی، و اگر همه شب بودی، تو را ره طلب معاش از کجا. پس این به کار است آسایش راه، و از آن ناگزیر است، آرایش راه، تا هر فرسودگی که در روز به تو رسد، به شب به آسودگی بدل شود» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۱۵).

۳-۲. زمان اتصال و رابطه با خداوند

یکی از ویژگی‌های مختص به شب، «اتصال راحت‌تر بین خدا و انسان» است. در شب انسان با فراغت خاطر از حوادث و مشاغل و دل مشغولی‌های روز، با خود به خلوت می‌پردازد و در اینجاست که تنهایی خویش را بیش از مواقع دیگر احساس می‌کند و در خود، نیاز رابطه با خداوند متعال و صحبت با او را می‌بیند. به همین علت، با امید در دل سعی می‌کند تا با او همراه گردد و مرهمی برای دل تنهای خود پیدا کند. این ارتباط و گفت‌وگوی شبانه فقط از جانب انسان نیست که او به تنهایی با خداوند به راز و نیاز بپردازد و جوابی نشود، بلکه صحبت در شب، از هر دو طرف است. اصلاً اگر گفت‌وگو و ارتباط یک‌جانبه باشد، دیگر آن را گفت‌وگو نمی‌خوانند. پس در این خلوت شبانه، انسان و خدا هر دو با هم به کلام می‌پردازند و این کار را «مسامره» می‌گویند؛ یعنی مناجات شبانه و در دوستی، مسامره از گفت‌وگوی روزانه یا محادثه، برتر است. از این رو، خداوند کلام خاص خود را با پیامبر، در شب قرار داد؛ زیرا شب، وقت خلوت دوستان است و روز هنگام خدمت بندگان (هجویری، ۱۳۵۸، ص ۴۹۶).

به او برخورد می‌کند و می‌گوید: ای برادر، خلوت خود با پروردگارت را برای من بیان کن. آن بنده جواب می‌دهد: اگر آن را برای تو ذکر کنم، دیگر مرا با او خلوتی نیست. اینچنین شخصی قدر نزول مرا در شب به آسمان دنیا می‌داند و اینکه چرا نزول کردم و چه کسی را طلب کردم» (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۰-۳۱۱).

۳-۳. زمان بیداری و عبادت شبانه

خداوند متعال نه‌تنها پیامبر ﷺ را مأمور به شب بیداری و قیام لیل می‌کند، بلکه این عمل را از صفات مؤمنان برمی‌شمرد. هنگامی که خداوند قصد بیان تفاوت عالم و غیرعالم را دارد، شب خیزی او و عبادت و ارتباط با خداوند در شب را ملاک قرار می‌دهد (زمر: ۹). این ویژگی، اهمیت موضوع را نشان می‌دهد؛ چراکه خداوند در آیه می‌فرماید که آن کس که این خصوصیات را دارد و عبادت‌کننده و مطیع پروردگار است، عالم است و با کسی که همه شب را می‌خوابد و غافل است، برابر نیست؛ چراکه شخص غافل از آنچه می‌ترسد و به آنچه که از خدا امید دارد، ناآگاه است. خداوند در آیه‌ای دیگر از سحرخیزان و شب‌خیزان برای عبادت، با عنوان «صالحین» یاد می‌کند (آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴).

در دو آیه «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبَلَّأْسَحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات: ۱۷-۱۸) و «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَاتِلِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران: ۱۷)، خداوند هنگامی که به بیان صفات متقین می‌پردازد، یکی از ویژگی‌های آنان را استغفار در شب معرفی می‌کند.

میبدی در *کشف الاسرار* می‌نویسد: «صفت و سیرت متقین امروز درین جهان چیست؟ «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبَلَّأْسَحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» و فی بعض الاخبار یقول الله عزوجل: «ان أحب أحبایی الی الذین یستغفرون بالأسحار. اولئک الذین إذا أردت باهل الأرض شیئا ذکرتهم فصرفت بهم عنهم»، بنده را هیچ کرامت بزرگ‌تر از آن نبود که در شب تاریک برخیزد متواری، بر درگاه باری، در مناجات و زاری. شبی که وضعش این است: لیل هادئ و قمر بادی و رب ینادی: عبادی عبادی» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۱۸).

آیات متعدد دیگری وجود دارد که می‌توان آنها را دلیل بر تأکید خداوند بر قیام و عبادت شبانه دانست. از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

خداوند در آیات اولیه سوره «مزل» به سخن با پیامبر اکرم ﷺ می‌پردازد و او را دعوت می‌کند تا به قیام شب و قرآن خواندن و سخن گفتن با او بپردازد.

خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید که برخیز و بخشی از شب را به نماز و حضور در برابر من و سخن با من اختصاص بده. در شب قرآن را تلاوت کن و بگذار من هم با تو سخن بگویم. می‌خواهم کلامی بگویم که بسیار سنگین و عظیم است (مزل: ۵). اگر می‌گویم که شب زنده‌داری کن، و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این است که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور و افتخار همکلامی با ما آماده کنی تا ما قول ثقیل را بر تو القا کنیم (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۲۳۱-۲۳۵). باید در شب قیام کنی؛ بدین جهت که نماز در دل شب، ثابت‌قدم‌تر و یا مطابقت قلب و زبان در آن بیشتر و سخن محکم‌تر و صحیح‌تر است (مزل: ۶)؛ زیرا خدای متعال شب را سکون و مایه آرامش قرار داده و نتیجه آرامش این است که خاطر و ذهن انسان از مشاغل معیشت فارغ و دست انسان از اسباب ظاهری بریده‌است (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۲۳۶-۲۳۷).

ای پیامبر تو در روز می‌توانی بخوابی و امرار معاش کنی و در برآوردن حوائج خود بکوشی، پس زمان شب را هم به تهجد اختصاص بده (مزل: ۷).

ابن عربی به زیبایی این گفت‌وگوی شبانه را توصیف می‌کند: «خداوند می‌فرماید: ای بنده من، شب برای من است نه برای قرآن که تلاوت شود. شب برای من است، نه برای حمد و ثنا. ای بنده من، تو در روز عبادت طولانی داری، پس شب را برای من قرار بده، همان‌طور که شب برای من است؛ چراکه نزول من در شب است... شب را برای خودم قرار دادم و در آن به سوی تو آمدم تا با تو به نجوا بپردازم و در شب گفت‌وگو کنم و حوائج تو را برطرف کنم، و تو را دیدم که غافل از من خوابیده‌ای و در دعوی محبت خود با من اسائه ادب کرده‌ای. تو ای بنده من، در روز در معاش هستی و در شب، بهشت و جهنمی که تلاوت آیات، آنها را به تو می‌دهند، و تو در بین آخرت و دنیا و برزخ هستی، دیگر وقتی برای من باقی نگذاشتی تا با من خلوت کنی. آن را برای خودت قرار دادی. درحالی‌که شب برای من است. تو مرا نشاختی و ارزش قول مرا که شب برای من است، نیز ندانستی، و نفهمیدی که چرا در شب به سوی تو می‌آیم. این را ندانستی، مگر آن عارف محقق که برادرش

الهی چنین می گوید:

اندکی صرفه بکن از خواب و خور ارمان بهر ملاقاتش بیر
شو قلیل النوم مما یهجمون باش در اسحار از يستغفرون
جنبشی اندک بکن همچون جنین تا ببخشدت حواس نوربین
(مولوی، بی تا، دفتر اول، ص ۱۴۱).

ابوالفتح رازی درباره «نور»ی که بر اثر قیام به اهل شب داده
می شود، از پیامبر اسلام ﷺ نقل می کند که: «بشر المشائین الی المساجد
فی ظلم اللیل بالنور التام یوم القيامة» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۲۶۹):
مژده ده روندگان به مسجدها را در تاریکی شب به نور تام روز قیامت.

۳-۵. کسب مقام محمود

یکی از آیاتی که تأکید بر تهجد و قیام لیل برای پیامبر دارد، آیه ۷۹
سوره «اسراء» می باشد. خداوند در این آیه فرموده است که ای
پیامبر، در شب به تهجد و عبادت شبانه بپرداز؛ شاید که خداوند تو را
به مقام محمود برساند. مقام محمود چیست که خداوند برای رسیدن
پیامبر اکرم ﷺ به آن، او را به نماز شب می خواند و به او نیز این مقام
را بی بهانه نمی دهد؟ در تفاسیر آمده که مقام محمود مقامی است که
همه آن را می پسندند و آن را حمد می کنند و از آن بهره می برند و
آن مقام «شفاعت کبری» رسول خدا ﷺ است که در روز قیامت، در
آن مقام قرار می گیرد (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۲۹۷).

در کتاب *کشف الاسرار* ذیل این آیه آمده است که «فرمان آمد که
ای محمد ﷺ مقام شفاعت در قیامت مقامی بزرگوار است و مقام محمود
است و تو را مسلم است. اما راهش آن است که به شب خیزی و نماز
کنی - أشرف الأسباب ما ینال به أشرف العطايا؛ ای محمد ﷺ اگر
خشنودی ما می خواهی، به روز رسالت می گذار و اگر مقام محمود
می خواهی به شب، بیدار باش و نماز کن (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۱۸).
براساس تفاسیر، آیه دیگری نیز به رسیدن به مقام شفاعت رسول
اکرم ﷺ به علت تهجد اشاره می کند. در بخشی از آیه آمده است: «وَمِنْ
ءَأَنَائِیِ اللَّیْلِ فَسَبَّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى» (طه: ۱۳۰).

ابن عباس می گوید: «مقصود از تسبیح در ساعات شب، نماز شب
است و لعک ترضی اشاره به این دارد که بر اثر انجام تسبیحات و
عبادات، مقام شفاعت برای پیامبر تحقق می یابد و به درجه ای رفیع
نازل می شود و خشنود خواهد شد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۸۶۴).
ابن عربی هنگام تفسیر این آیه می گوید: ای پیامبر، روز برای توست

«وَمِنْ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِه نَافِلَةً لَّکَ عَسَى أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا
مَّحْمُودًا» (اسراء: ۷۹)؛ «بِأَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمْ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ
مِنْهُ قَلِیلًا أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا» (مزمّل: ۴-۱)؛ «وَاصْبِرْ
لِحُکْمِ رَبِّکَ فَإِنَّکَ بِأَعْیُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حَیْنَ تَقُومُ وَ مِنْ اللَّیْلِ
فَسَبِّحْهُ وَ اذْبَارِ النَّجُومِ» (طور: ۴۸-۴۹) و

ابوالفتح رازی هنگامی که در تفسیر خود به آیه «وَمِنْ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ
بِه نَافِلَةً لَّکَ عَسَى أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَّحْمُودًا...» می پردازد، حدیثی از
پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند و می گوید که آن حضرت در وصیت خود به
امیرمؤمنان علی ﷺ می فرماید: «یا علی علیک بصلوة اللیل، علیک بصلوة
اللیل، علیک بصلوة اللیل»؛ یعنی ای علی بر تو باد که نماز شب را به پا
داری (رازی، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۲۶۹).

صاحب *کشف الاسرار* نیز در ذیل آیه «بِأَيُّهَا الْمَرْمَلُ» می نویسد:
«خیز نماز شب کن. لختی از شب بیدار باش شفاعت امت را و لختی
خواب کن آسایش نفس را. یا سید اگر همه شب خواب باشی امتت
ضایع مانند. و اگر همه شب بیدار باشی، رنجه شوی، و من رنج تو
نخواهم. چون بیدار باشی به سبب بیداری تو، بعضی عاصیان را
بیامرزم، تصدیق شفاعت را. چون خواب کنی، به حرمت خواب تو،
باقی بیامرزم تحقیق رحمت را. ای سید تو خلعت قربت ما که یافتی
در شب یافتی، هم شب در خدمت ما بجای آر، تا چنان که در شب
یافته باشی شکر خلقت به خدمت هم در شب گزارده باشی»
(میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۲۷۳).

در ادامه سوره «مزمّل»، خداوند می فرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ
أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِیْلًا» (مزمّل: ۶).

در تفسیر گفته اند که چه بسا مراد از حادثه شب همان نماز شب
باشد و معنای محکم قدم نهادن بر آن، این باشد که این عمل از هر
عمل دیگر در صفای نفس، انسان را ثابت قدم تر، می سازد و بهتر از
هر چیز نفس آدمی را از اینکه به وسیله مشغولیات روز، دچار کدورت
شود، حفظ می کند (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۲۳۷).

۳-۴. زمان کسب عنایات و رحمت و برکت الهی

پس از بیداری شب و دعا و نیاز به درگاه الهی بردن، وقت آن می رسد
که خداوند عنایات و برکات خود را شامل حال انسان کند. عنایات الهی
شامل موارد متعددی می شود که به بعضی از آنها اشاره می شود.
بخشش نور و چشم نوربین مولوی برای دریافت این عنایات

قرار داده‌اند. شب‌های ده‌گانه که خداوند به آنها قسم خورده و شب‌های میقات حضرت موسی علیه السلام با خداوند نیز از شب‌های خاصی است که خداوند در قرآن به آنها اشاره کرده است. در این بخش با رویکردی عرفانی، تنها آیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که به دو واقعه عظیم معراج و قدر اشاره دارد.

۴-۱. شب معراج

شب معراج شبی است که در آن، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از زمین به آسمان عروج کرد. در این باره خداوند می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱).

در کتاب *کشف الاسرار*، خواجه عبدالله انصاری بیان می‌دارد که انسان در برابر خداوند و رسیدن به او با دو روش مواجه می‌شود. یکی روش عبادت و دیگری طریق دلدادگی و عاشقی. انسان با این دو راه می‌تواند به خدا برسد. گاهی او می‌کوشد تا با سعی خود به خدمت مشغول شود و منزلتی پیدا کند و خود، این راه را طی کند. ولی گاهی او را به سوی خداوند می‌کشند. خود نمی‌رود، بلکه او را می‌برند. در مورد حضرت موسی علیه السلام آمده است که او به سوی خدا آمد تا به نبوت رسید، «جاء موسی لمیقاتنا»، اما در مورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده که او را با ناز و اکرام بردند تا به مقام حبیب‌اللهی رساندند: «أسرى بعبد». این بردن در شب صورت گرفت؛ زیرا خواستند این عروج در راز و پنهانی باشد و شب نیز زمان خلوت دوستان است؛ و او از دوستان است (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۰۱-۵۰۲).

وی در بخشی دیگر به علت این امر که چرا زمان آن در شب مقدر شده، اشاره می‌کند: «گفته‌اند که رب‌العالمین، مصطفی صلی الله علیه و آله را فعلی اثبات کرد لایق عبودیت او، و خود را فعلی گفت، سزای ربوبیت خویش. فعل مصطفی عروج است: «أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا»، فعل الله تعالی، نزول است: «ينزل كل ليلة الى السماء الدنيا». عروج محمد صلی الله علیه و آله سزای بشریت او، نزول الله سزای الهیت او، لایق ذات و صفات او. آنکه نزول خود را هنگام آن، شب ساخت، عروج محمد صلی الله علیه و آله را هم به شب خواست. از بهر آنکه محمد صلی الله علیه و آله را حبیب خواند و معنی محبت جز موافقت نیست (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۵۰۲).

صاحب کتاب *شرح التعريف* نیز درباره چرایی معراج در شب

و شب و اطراف روز برای خداست. اگر در شب برای او باشی، او در روز برای تو خواهد بود. عطایا و مواهب شب و اطراف روز، جزای تسیح است و عطایایی که در روز به تو داده می‌شود، جزای توجه به خداوند در شب و اطراف روز است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۸).

۳-۶. بخشش گناهان

خداوند در آیه ۱۱۴ سوره «هود» می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرِزْقًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكِّرِينَ». از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه، روایتی آمده است که: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» اشاره به نماز مؤمن در شب دارد که نماز وی در شب گناهانش را در روز محو می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۱۰۹).

۳-۷. وعده امانت بزرگ

در این بخش، به عنایت ویژه‌ای اشاره می‌شود که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داده شده است. خداوند در آیه ۵ سوره «مزل» می‌فرماید: «إِنَّا سَلَّمْنَا عَلَيْكَ قَوْلًا تَقِيلاً»؛ در ثقیل بودنش همین بس که خداوند می‌فرماید اگر آن را بر کوه نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از هم می‌شکفت (حشر: ۲۱). این کلام را کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله که دارای نفس طاهر از هرگونه بدی و پلیدی است، نمی‌تواند دریافت کند؛ زیرا کسی غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله قدرت فهم آن را ندارد. این آیه در مقام تعلیل حکمی است که در آغاز سوره آمده بود: «قم الليل»؛ و به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند که اگر گفتیم شب‌زنده‌داری کن و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این بود که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور و افتخار همکلامی با ما آماده سازی، تا ما قول ثقیل را بر تو القا کنیم. بنابراین، نماز شب، راهی است که آن حضرت را به چنین موقعیت بالایی می‌رساند. در جای دیگر نیز خداوند متعال، نماز شب را راهی به سوی خود خوانده است: «إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (انسان: ۲۹؛ طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۹، ص ۲۳۳-۲۳۵).

۴. شب‌های خاص

خداوند متعال برای شب ارزش والایی قائل است؛ تا آنجا که بزرگ‌ترین حادثه زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله یعنی معراج، و برترین لحظات سال را که برابر با هزار ماه است؛ یعنی شب قدر را در شب

می‌گوید: اولاً، آنان که اهل ظاهرند: اگر در روز این امر اتفاق می‌افتد، دوست و دشمن آن را می‌دیدند. دشمن به راه راست هدایت می‌شد و ایمان دوست ضروری می‌شد و دیگر فایده‌ای نداشت، و ایمان کافران و مؤمنان آزموده نمی‌شد. در شب پیامبر ﷺ را به معراج بردند تا دشمن آن را نبیند و بر دشمنی خود اصرار کند و دوست به غیب ایمان آورد و ایمانش قوی گردد. ثانیاً، در مورد اهل معانی: پیامبر اکرم ﷺ اصلاً شبی نداشت؛ زیرا شب به علت تاریکی مانع دیدار است و دیدار در روز صورت می‌گیرد. اما پیامبر ﷺ هیچ حاجبی نداشت و در مقام شهود و دیدار بود. ثالثاً، شب زمان خواب و آرامش است؛ اما برای پیامبر ﷺ بدون وجود دوست، نه خوابی داشت و نه آرامش (بخاری، ۱۳۶۳، ص ۶۳۱).

ابن عربی نیز هنگامی که به تفسیر آیه فوق‌الذکر می‌پردازد، می‌گوید: «خداوند عروج را در شب قرار داد؛ زیرا آن را به مقام محبت اختصاص داد و پیامبر را دوست و حبیب خود قرار داد؛ چراکه شب محبوب‌ترین زمان برای پیوند و در کنار هم بودن مجبان است و خلوت با دوست در شب تحقق پیدا می‌کند. همچنین خداوند می‌خواست آیاتش را با انوار الهی به پیامبر ﷺ نشان بدهد؛ به همین خاطر او را در شب برد؛ چراکه بشر چیزی از مرئیات را با نور بصر نمی‌تواند درک کند و فقط در برابر او ظلمت قرار می‌گیرد؛ و نوری که با آن اشیاء رؤیت می‌شود، بر نور بصر غلبه دارد، و اگر نور بصر غلبه داشت، چیزی جز ظلمت نمی‌دید؛ پس چشم با نور معتدل می‌بیند و اشیاء مدرکه‌ای را که آن نور برایش ظاهر می‌سازد، رؤیت می‌کند. از این رو، اگر معراج در روز واقع می‌شد، رؤیت آیات برای او معلوم بود و دیگر فایده‌ای برای شنونده آن اخبار وجود نداشت؛ به همین علت، معراج در شب بود.

همچنین کلمه شب آمده تا متحقق سازد که «اسراء» و عروج با پیکر پاکش بوده است؛ و قول خداوند اینکه کلمه «أسری» یعنی به شب بردن را آورده، او را از ذکر کلمه شب غنی می‌سازد. ولی با این حال، شب آورده است تا حالت بنده را نشان دهد که بنده در شب عروج کرده است؛ چراکه اسراء فقط در شب است. همچنین عروج پیامبران، غیر از شب نبوده است؛ چراکه شب محل اسرار و پنهان ساختن و عدم کشف است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۵-۵۱۶).

۴-۲. شب قدر

شب قدر، شب تقدیر است؛ زیرا تقدیر قضایای جاری در سال، اعم از

آجال و ارزاق و اقسام، همه در این شب صورت می‌گیرد. *خواجه عبدالله انصاری* درباره شب قدر می‌گوید: «خداوند می‌گوید: ما در تعظیم شب قدر، از آسمان قرآن فرو فرستادیم، و به وحی پاک و پیغام راست، عالمیان را از خیرات و برکات و منزلت و مرتبت این شب خبر دادیم. اندرین شب، جنات عدن و فرادیس اعلی، درها باز نهاده و ساکنان جنت خلد به کنگره‌ها نشستند، و ارواح انبیا و شهدا در علین فراطرب آمده، نسیم روح ازلیت از جانب قربت به دل دوستان می‌دمد، و باد کرم از هواء فردانیت بر جان عاشقان می‌وزد، وز دوست خطاب می‌آید که: لیقم القاتنون، این المستغفرون... فرشتگان از آسمان به زیر آیند به عدد سنگریزه جهان، و جبرئیل روح‌الامین، در پیش ایستاده؛ این است که رب‌العالمین گفت: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۵۶۴).

در مورد زمان شب قدر اختلاف کرده‌اند. اتفاق بر این است که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان واقع شده است؛ اما در تعیین روز دقیق آن اختلاف است. *ابو الفتح رازی* بیان می‌کند که شخصی از یکی از صحابه رسول اکرم ﷺ درباره وقت معین آن پرسید و وی جواب داد: «در این اوتار عشر اواخر طلب کنید و حکمت در آنکه خدای تعالی این شب را باز پوشید، در میان شب‌های ماه رمضان، تا بندگان در جمله شب‌ها اجتهاد کنند و بر یک شب اعتماد نکنند» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۲، ص ۱۳۵).

این شب دارای فضایل و برکاتی است و امتیازات ویژه‌ای بر دیگر شب‌ها دارد. در اهمیت و فضیلت این شب بر دیگر شب‌ها همین کافی است که خداوند سوره‌ای درباره آن نازل می‌کند و در آن تأکید می‌کند که ای انسان تو نمی‌دانی که شب قدر چه ارزش و مرتبه‌ای دارد و شب قدر برتر از هزار ماه است، و شبی است که ملائکه در آن، گروه گروه به زمین می‌آیند، درحالی که حامل سلام خداوند هستند و این کار تا طلوع فجر ادامه دارد.

درباره آیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ» (قدر: ۵) آمده که این شب، شب سلام است. چند قول گفته‌اند: یکی آنکه این شب، شب خیر و سلامت است و در این شب، خدای تعالی جز خیر و سلامت تقدیر نمی‌کند. دیگر آنکه، این شب از شیطان و وسواس آن در سلامت است و شیطان نمی‌تواند به کسی رنجی برساند. قول دیگر آن است که این سلام، سلام فرشتگان است و آنان تا طلوع صبح بر هر قائم و قاعد و راکع و ساجدی سلام می‌کنند (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰،

مناسبی برای عبادت های ویژه و ممتاز انسانی در برابر پروردگار خود است؛ شب دارای اهمیتی وافر است که هم نام سوره‌ای از قرآن است و هم ۷ بار به آن سوگند یاد شده، و هم اینکه بارها با الفاظ مختلف از آن صحبت شده است. البته همان‌طور که گفته شد، اهمیت بیشتر آن به علت ویژگی‌های آن است؛ از جمله اینکه: شب، زمان آسودگی بندگان از کارهای روزانه و زمان فراغت است و بهترین وقت برای پشت سر گذاشتن مشغولیات و روی آوردن به محبوب برای مناجات. در این فرصت که دیدگان در خواب است و نامحرمی نیست، آسودگی و راحتی برای اهل خلوت ایجاد می‌شود.

در این زمان اتصال راحت‌تر و بهتری بین خدا و انسان برقرار می‌شود. خداوند در آیات متعددی پیامبر خود را دعوت به شب بیداری و گفت‌وگوی شبانه با خود می‌کند. این امر از دیگر ویژگی‌های شب است.

خداوند هنگامی که صفات صالحان و متقین را برمی‌شمرد، به شب بیدارانی اشاره می‌کند که به استغفار شبانه می‌پردازند. البته خداوند پاداش و نتیجه‌ای را هم برای قیام شبانه و ارتباط خود در نظر گرفته است.

از جمله عنایات و برکاتی که توسط این کار از جانب خداوند نصیب انسان می‌شود، عبارت است از: بخشش نور و چشم نوربین، کسب مقام محمود، بخشش گناهان و وعده به امانت و عنایتی بزرگ و خاص.

از ویژگی‌های دیگری که برای شب می‌توان در نظر گرفت، زمان و بستر مناسب برای اتفاقات خاص و مهم تاریخی و دینی است. مشاهده می‌کنیم که اتفاقات ویژه‌ای همچون شب قدر، معراج، کلام حضرت موسی علیه السلام با خداوند و میقات وی و... در این زمان رخ داده است. در نهایت اینکه خداوند زمانی را برای ارتباط و اتصال بنده با خود قرار داده و از او دعوت به این امر کرده و البته خود آغازگر گفت‌وگو بوده است، و پاداشی هم برای وی تدارک دیده تا رشد و بالندگی او را مضاعف کند. این زمان را بهترین زمان برای شناخت و معرفت خود قرار داده تا بندگان خاص خود را از دیگر خلائق متمایز کند.

ص ۵۶۷). در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هرکس از سر ایمان، در شب قدر نماز بخواند، خداوند تعالی گناهان گذشته او را می‌آمرزد». در خبر آمده است که شیطان در این شب بیرون نمی‌آید و در روز تا صبح نمی‌تواند به کسی برساند و سحر هیچ ساحری در این شب اثر نمی‌کند» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۲، ص ۱۴۰).

علامه حسن زاده املی به نقل از تفسیر *فرائد کوفی*، تفسیر و نگاه دیگری از این سوره بیان می‌دارد. وی در حدیثی روایت شده از اباعبدالله علیه السلام در تفسیر سوره «قدر» اینچنین آورده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، لیل، فاطمه علیها السلام است و قدر الله است. پس آن کس که فاطمه علیها السلام را آن‌گونه که سزاست بشناسد، لیلۃ‌القدر را درک کرده است. سخن خداوند: «وَمَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، یعنی چه می‌فهمی که لیلۃ‌القدر چیست. لیلۃ‌القدر بهتر از هزار ماه است؛ یعنی شب قدر بهتر از هزار مؤمن است؛ زیرا فاطمه علیها السلام مادر مؤمنان است. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا»؛ یعنی ملائکه و روح در این شب فرود می‌آیند و ملائکه مؤمنانی‌اند که علم آل محمد علیهم السلام را واجدند و مراد از روح اقدس، فاطمه علیها السلام است. «يَأْتِيهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ یعنی از هر امری به اذن پروردگارشان، درحالی که سلام می‌گویند تا فجر طلوع کند؛ یعنی تا حضرت قائم (عج) خروج کند (حسن زاده املی، ۱۳۸۴، ص ۶۷۵).

آیه دیگری وجود دارد که بعضی از مفسران آن را به شب قدر تعبیر می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۳۵، ص ۲۳۸). خداوند در سوره «دخان» آیه ۳ می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ». علت اینکه خداوند این شب را «لیله مبارکه» نامیده، برای آن است که خداوند نعمت‌های خود را از این سال به آن سال در این شب بر بندگانش تقسیم می‌فرماید؛ و لذا برکات این شب ادامه دارد. برکت رشد خوبی‌هاست و شبی که در آن قرآن نازل شده، شبی مبارک است و به علت عظمتی که خدا به آن شب داده و دعا در آن مستجاب می‌شود، خیر و نیکی در این شب رشد دارد (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲۵، ص ۳۳۳).

نتیجه‌گیری

شب یکی از پدیده‌های طبیعی است که مورد توجه قرآن است. نه از آن جهت که امری طبیعی است، بلکه بستر مناسبی برای شناخت و معرفت بیشتر نسبت به خداوند است. چه از آن جهت که از شب و روز به عنوان دو آیه از آیات خداوند یاد می‌شود و چه از آن جهت که زمان

.....منابع

- ابن عربی، محی‌الدین، بی‌تا، *فتوحات مکیه*، بی‌جا، بی‌نا.
- انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۴۹، *کنز السالکین*، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی.
- بخاری، اسماعیل بن مستملی، ۱۳۶۳، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر.
- حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۸۴، *ممد الهمم در شرح قصص الحکم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خرقانی، حسن، ۱۳۸۳، «حکمت‌های سوگند در قرآن»، *الهیات و حقوق*، ش ۱۱، ص ۱۱۶-۹۱.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۱، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رازی، ابوالفتح، ۱۳۵۲، *تفسیر ابوالفتح رازی*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۳۸۰، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر.
- صرفی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «بررسی کارکردهای نمادین زمان در شعر عرفانی با تکیه بر دیوان حافظ»، *شروعی ادب فارسی* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان)، ش ۲۵، ص ۱۱۴-۹۳.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۱، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، محمدی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۸۰، *مجمع‌البیان*، ترجمه علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب السلامیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، بی‌تا، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد الین نیکلسون، چ ششم، تهران، بهراد.
- میبدی، رشیدالدین، ۱۳۷۱، *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار*، تهران، امیرکبیر.
- هجویری غزنوی، علی‌بن عثمان، ۱۳۵۸، *کشف‌المحجوب*، تصحیح ژوکوفسکی، تهران، طهوری.